



31 جولای 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

## نگاهی مختصر به سقوط و عروج خانواده سردار یحیی خان

محمدنادرشاه از پادشاهی تا شهادت

(بخش هفتاد و دوم)

خط مشی اعلیحضرت محمد نادرشاه:

اولین اقدام محمد نادرشاه فعال ساختن چرخهای اداری حکومت بود که در قدم اول بتاريخ 24 میزان 1308 یعنی در اولین روز رسیدن به پادشاهی "خط مشی حکومت" را در ده فقره اعلام کرد که محور عمومی همه اجراءات حکومت را برای سالهای بعد تشکیل میداد. در مقدمه این خط مشی که برای بار اول تحت عنوان "خط مشی حکومت اعلیحضرت محمدنادرشاه افغان" در سالنامه مجله کابل در سال 1311 پس از گذشت تقریباً سه سال رسماً مجال نشر یافت، چنین آمده است: «ذات همایونی در موقع قبول زمامداری، وطن را محتاج اصلاحات بیشماری دیده و چنین مناسب شمردند که بجهت اصلاحات امور ملت و مملکت که هدف آمال ملوکانه قرار گرفته بود، خط مشی یعنی نصب العین خودشان را معین فرمایند. بنابراین در اول امر خط مشی خودشان را که مال آن قرار آتی است، به عامه ملت اعلام و اظهار فرمودند:

اول - حکومت موجوده موافق باحکام دین مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی امور مملکت را اداره و اجراء خواهد کرد و برای اینکه شریعت غرای محمد(ص) در امور مملکتی قایم و دایم باشد، ریاست شورای ملی و وزارت عدلیه مسؤل میباشند و شعبه احتساب از امور لازمی این حکومت است که به یک صورت منظم این شعبه دائر خواهد شد. موافق باحکام دین، اهالی افغانستان بدون امتیاز قومیت و نژاد باهم برادر و در حقوق مساوی یکدیگر شناخته میشود. حجاب در افغانستان بدین و شریعت محمدی صلی الله علیه و سلم قایم خواهد بود.

دوم - منع رشوت و شراب نوشی: - در حال مامورین حکومت از هر مدارجی که باشند، در وزارت عدلیه به قرآن عظیم الشان عهد خواهند نمود که هیچگاه رشوت و هدیه از اهالی نمی گیرند، بیپاک نفسی و پاک دامنی خدمت خلق الله را اجراء میکنند و بدولت متبوعه خویش از امروز به بعد خیانت مالی یا عملی نمی نمایند و صادقانه به وظیفه خویش می پردازند. جزای شراب نوشی موافق به شریعت محمد(ص) داده خواهد شد. فروش ظاهر و خفیه شراب در تمام افغانستان ممنوع است. اهالی بساختن شراب مجاز نیست. درخانه که شراب ساخته شود یا دکانیکه شراب بفروشد، دولت چون تحقیق کرد و به ثبوت رسید، ضبط میشود و اشخاص جزای شرعی خواهند دید. اگر به مامور حکومت ثابت شد که شراب می نوشد، علاوه از جزای شرعی، از ماموریت طرد میشود. تبعه خارجه ازین حکم مستثنی [مستثنی] است.

سوم - امور حربیه افغانستان برای حفظ استقلال و نگهداشت امنیت مملکت: - حکومت موجوده میخواهد یک قشون منظم با اسلحه ساخت جدید تشکیل کند و نهایت توجه باین مسئله که حیات و ممانت افغانستان وابسته او [آن] است، صرف می نماید و برای اینکه صاحب منصبان نظامی ما تعلیم یافته

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې دلېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

شوند و از علوم و فنون حربی دنیای متمدن و استعمال آلات و ادوات حرب بدانند، مکتب حربیه زود از زود تشکیل و ترتیب میگردد. مسئله گرفتن عسکر به صورت قومی و خوش برضا جاری میشود.

چهارم - ادامه و برقراری و استحکام مناسبات افغانستان با دول خارجه:- مثل زمان امان الله خان مناسبات افغانستان با دول خارجه که جریان داشت، جریان خواهد کرد و حکومت موجوده دوستی و سلوک مرغوب دول متحابه را نسبت به افغانستان آرزو و خواهش دارد و هم حکومت موجوده با تمام موجودیت خود برای حفظ و استقلال افغانستان و ارائه کردن نظر دوستانه و خیرخواهانه خویش با دول معاهدین حاضر و آماده است.

پنجم - امور داخله:- وزارت داخله در تعیین حکام و مامورین ولایات و حکومتی های اعلی و کلان و باقی حکام اهتمام و توجه تام خواهد کرد که کار به اهل کار داده شود و فهرست مامورین خویش را به مجلس انتخاب خواهد داد تا غور و تحقیق کرده شود و هم برای ترمیم و تعمیم تیلیفون و تلگراف سعی و کوشش خواهد نمود و انتظام پوسته را بصورت خوبترین و آسانترین تأمین خواهد نمود. برای ترمیم راه های عبور و مرور موثر، گادی زود از زود توجه خواهد نمود.

ششم - مالیات را وزارت مالیه بصورت خوب اداره خواهد کرد و کوشش خواهد نمود که تمام ولایات اقساط مالیه را مثل سابق به خزینة دولت تادیه کنند. محصولات گمرکی هم در گمرک جاهای ولایات مثل سابق گرفته میشود. باقیاتیکه درملک مانده باشد، بطریق مراعات جمع میشود، اما تسهیلات داده خواهد شد تا اشخاص باقی ده [کسانیکه مالیه بذمت شان باقی مانده است] خوار و پریشان نشوند، و هم دولت دچار زحمت نگردد، آنچه حکومت های سابق نسبت به باقیات حکم معافی در اعلانها نموده اند، منظور است.

هفتم - تجارت و زراعت افغانستان امروز از پیشتر بیشتر [بیشتر از پیش] باین شعبه کار احتیاج دارد و میخواهد با دول ایران، ایتالیا، فرانسه، بریطانیا، اتحاد جماهیراشرکیه، امریکا، بلجیم، جرمنی، جاپان و غیره دولیکه آرزو داشته باشند، مناسبات تجارتي خود را باز کند و از دول متمدن درین راه استفاده نماید، راه آهن را زود از زود آغاز کند و معادن افغانستان را بکار بیندازد، نهرهای آب برای زراعت تعمیر نماید و حکومت موجوده میخواهد وسایل زراعتی دنیای متمدن را تا اندازه امکان در زراعت افغانستان تطبیق نماید.

هشتم - علم و فن برای ترقیات دینی و دنیوی افغانستان از اهم ضروریات شمرده میشود و حکومت حاضر این مسئله را خیلی اهم میدانند، هر وقتیکه شورای ملی تشکیل و وکلای ملی جمع شوند، امید است راه خوبتری نسبت باین مسئله یافته شود که تا ملت خود را برای حفاظت خودش علماً مستعد ساخته بتواند.

نهم - شورای ملت:- وکلای ملت از تمام اهالی بمرکز میرسند، صورت انتخاب بطور سابق بوده، وکلا را اهالی از دانشمندان و علما و صادقان و بهی خواهان که ملت بر آنها اعتماد کلی داشته باشد، انتخاب خواهند کرد، وزرای دولت و حکام، مسئول وکلای ملت خواهند بود، ریاست شوری حق تفتیش خواهد داشت و رئیس شورای ملت از طرف وکلای ملت انتخاب میشود.

دهم - صدراعظم با انتخاب و منظوری شاهانه تعیین میشود و صدراعظم کابینه وزراء را تشکیل کرده بحضور شاهانه معرفی مینماید و منظوری حاصل میکند. «(پایان خط مشی)

- دلیل اینکه چرا این خط مشی بعد از سه سال بار اول در سالنامه 1311 به نشر رسید و قبل از آن در هیچ جریده یا روزنامه چاپ نشده بود، معلوم نیست، اما انفاذ آن به مثابه یک "قانون" بخصوص در محتوای فقره اول بصورت فوری به منصفه اجراء درآمد و برطبق آن اقدامات ذیل مرعی گردید:
- 1 - قدرت قضائی کاملاً درحیطه صلاحیت رهبران مذهبی و علمای دینی قرارگرفت و کود جزا (نظامنامه جزای عمومی 1302) که صلاحیت قضات را درمورد جزاهای تعزیری محدود ساخته بود، دوباره به قضات ارجاع شد.
  - 2 - اداره احتساب دوباره به فعالیت آغاز کرد.
  - 3 - اهالی کشور که فقط از نظر قومیت و نژاد حائزحقوق مساوی شناخته شده بودند، از حقوق زنان که نصف نفوس کشور را تشکیل میدادند، اغماض صورت گرفت.
  - 4 - درتعبیر حجاب به اساس شریعت عملاً دستور داده شد که از آن به بعد زنان مکلف به پوشیدن برقع (چادری) هستند.

علاوتاً آنچه در این خط مشی مایه تعجب پنداشته میشود، همانا فقره هشتم آنست که درباره "انکشاف علم و فن" چنین بیان میدارد: «علم و فن برای ترقیات دینی و دنیوی افغانستان از اهم ضروریات شمرده میشود و حکومت حاضر، این مسئله را خیلی اهم میداند، هر وقتیکه شورای ملی تشکیل و وکلای ملت جمع شوند، امید است راه خوبتری نسبت باین مسئله ساخته بتواند.» با این عبارت حکومت صلاحیت خود را در موضوع "علم و فن" یعنی معارف علناً به شورای ملی انتقال داد و این نکته میرساند که حکومت در مسائل معارف جرأت نکرد مشی خود را به صراحت ابلاغ نماید و مسئولیت را بدوش شوری انداخت، درحالیکه موضوع معارف یکی از وظایف اساسی حکومت محسوب میگردد و اینکار منتهای محافظه کاری شاه و حکومت را آشکار می سازد و به دلیل همین بی میلی و بی توجهی حکومت در زمینه بود که دروازه های مکاتب نسوان تا سالهای متمادی مسدود ماند و معارف بطور عموم از توجه حکومت برافتاد. سیدمسعودپوهنیار درکتاب "ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان" می نویسد: «برای سقوط دادن سطح دانش معارف درجمله این ماستر پلان، یکی هم افتتاح "مکتب مستعجله" بود که درسنه 1336 رویکار آمد، گفته می شد که در این مکتب فن تعلیم و تربیه درس داده میشود و در ظرف شش ماه شاگردان مذکور به حیث معلم، فارغ التحصیل و به مکاتب اطراف فرستاده میشوند.» پوهنیار در این ارتباط از یک خاطره خود یاد میکند که یکی از این چپراسی های مکتب کمی خواندن و نوشتن یاد گرفت و بعد شامل مکتب مستعجله شد و با فراغت از آن مکتب، به حیث معلم در اطراف مقرر شد. او می نویسد: «با این ترتیب در ظرف چند سال، تمام مکاتب اطراف افغانستان را همین معلمین نالایق مستعجله فرا گرفت و سطح دانش و سواد یک باره در سراسر مملکت روبرقهرا گذاشته منحط گردید.» اینکار ناشی از همان ترسی بود که در ذهن بعضی دولتمردان جا گرفته و می گفتند که با انکشاف معارف باید احتیاط کرد، زیرا «معارف مشروطه می زاید!» (برای شرح مزید دیده شود- کتاب: "پوهنیار، سیدمسعود: "ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد در افغانستان"، جلد اول، چاپ سوم، پشاور، 1379، صفحه 175-181)

همچنان تأکید بر منع رشوت و شراب نوشی مندرج فقره دوم که یک اقدام مفید شمرده میشود، اما درج ان در خط مشی عمومی دولت گنجایش نداشت و ان جزء وظایف ضمنی اداره "احتساب" مندرج فقره اول این خط مشی میشد. شاید برجسته ساختن این موضوع در خط مشی به این هدف بوده باشد که دست عمال خاص حکومت را برای بدنام ساختن بعضی اشخاص نامطلوب حکومت باز گذارد که با اتهام شراب نوشی و یا رشوت، دست آنها را از کار بگیرند و محکوم به جزاء نمایند. (والله اعلم)

## توظیف صدراعظم و تشکیل کابینه:

محمد نادرشاه پس از اعلام خط مشی خود، برطبق فقره دهم آن بتاریخ 22 عقرب 1308 با صدور یک فرمان، برادر خود سردار محمد هاشم خان را به حیث صدراعظم تعیین و او را مؤظف تشکیل کابینه ساخت. در یک قسمت فرمان مربوطه عنوانی محمد هاشم خان آمده است: «شما را شخص با دیانت و درملت خود بحسن اخلاق و فعالیت مشهور و معروف می بینیم، به صدراعظمی این وطن انتخاب نمودم، لهذا بخدای قادر توانا توکل کرده کابینه خود را تشکیل و بحضورم معرفی کنید.»

به این اساس سردار محمد هاشم خان کابینه خود را متشکل از ده عضو به شاه معرفی و شاه آنرا منظور کرد که اولین کابینه حکومت جدید عبارت بودند از اشخاص ذیل:

- 1 - سردار شاه محمود خان وزیر حربیه،
- 2 - سردار فیض محمد خان وزیر خارجه،
- 3 - محمد گل خان مومند وزیر داخله،
- 4 - حضرت فضل عمر مجددی (نورالمشایخ) وزیر عدلیه،
- 5 - محمد ایوب خان وزیر مالیه،
- 6 - عبدالمجید خان رئیس عمومی مطابع،
- 7 - میرزا محمد خان وزیر تجارت،
- 8 - علی محمد خان وزیر معارف،
- 9 - رحیم الله خان مدیر مستقله پست و تلگراف و تیلیفون،
- 10 - سردار احمد شاه خان وزیر دربار.



(فوتوی تاریخی از پنج برادر که زمام همه امور کشور را بصورت مطلقه در اختیار داشتند- ردیف نشسته (از راست به چپ): سردار محمد عزیز خان سفیر در مسکو، اعلیحضرت محمدنادرشاه و سردار محمد هاشم خان صدراعظم؛ ردیف ایستاده: مارشال شاه ولی خان سفیر در لندن و سپهسالار شاه محمود خان وزیر حربیه) یکی از دلایلی که محمد نادرشاه از بین برادران خود سردار محمد هاشم خان را برگزید و به مقام صدارت گماشت، وجه مشترک هر دو برادر درصددیت با شاه مان الله غازی بود. با آنکه شاه ولی خان و شاه محمود خان در سقوط رژیم سقوی و فتح کابل به کمک اقوام جنوبی،

بخصوص وزیرری ها و آماده ساختن زمینه ورود محمد نادرخان به کابل و نیز در رسانیدن او به سلطنت خدمات بسیار مهم انجام دادند، اما محمد نادرشاه به دلایل چند محمد هاشم خان را از نظر مقام نسبت به دیگر برادران خود ترجیح داد، از جمله یکی اینکه: محمد هاشم خان از لحاظ شخصیت دارای

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

طبع لجوج، کینه توز، انتقام جو و مستبد بود که همچو خصلت برای استحکام سلطنت بسیار با روحیه محمد نادرشاه نزدیک و سازگار بود. همچنان سردار محمدهاشم خان که در آنوقت به حیث سفیر افغانستان در مسکو ایفای وظیفه میکرد، میدانست که میانه شاه امان الله با محمدنادرخان برهم خورده و این وضع بزودی دامنگیر او نیز خواهد شد، لذا تصمیم گرفت تا سفارت را ترک کرده و در فرانسه با برادر خود یکجا شود. البته بعداً شاه ولی خان نیز به بهانه عیادت برادر، کابل را ترک کرد و در شهر نیس فرانسه نزد برادر خود رفت، درحالیکه شاه محمود خان در آنوقت با شاه امان الله به همکاری خود ادامه داد. عامل دیگر چون محمد نادرشاه با محمدهاشم خان از مادر جدا بودند، محمد نادرشاه برای حفظ وحدت خانوادگی خواست محمدهاشم خان را به صدارت بگمارد و اما در جوار او امور نظامی را به برادر عینی خود شاه محمود خان - مرد معتدل و نسبتاً مهربان بسپارد. شاه ولیخان که میدانست حکومت بزودی دچار مشکلات خواهد شد، خود را به نحوی گوشه کرد و از اشتراک در امور داخلی دوری جست و همیشه به حیث سفیر، زندگی آرامتر را در بیرون کشور درپیش گرفت.

به همین ترتیب فیض محمد خان زکریا که در عصر امانی وزیر معارف و در دوره سقوی مشاور ارشد حبیب الله کلکانی بود، در دوره جدید با همه تردستی و مهارتی که در حفظ مقام داشت، به حیث وزیر خارجه مقرر شد. علی محمدخان - وزیر معارف نیز از جمله کسانی بود که در مجلس سلامخانه به نفع محمد نادرخان فعالیت داشت و تا اخیر عمر به حیث مهره موقع شناس و خاموش همچنان در مقامهای عالییه حکومت ایفای وظیفه کرد. وزارت داخله به محمدگل خان مومند سپرده شد که گویا حیثیت برادر پنجم را در ردیف برادران کسب کرده بود و مورد اعتماد کامل آنها قرار داشت. وزیر عدلیه حضرت فضل عمر مجددی نورالمشایخ، کسی بود که از یکطرف چشم به سلطنت برای خودش دوخته بود و اما از طرف دیگر ناگزیر بود با محمد نادرخان به مقصد سرکوبی حبیب الله کلکانی همکار و متحد گردد، چنانچه در مباحث قبلی به تفصیل در باره صحبت شد. نورالمشایخ تا مدتی به حیث وزیر عدلیه باقی ماند و سپس آن مقام را برای داماد خود حضرت فضل احمد مجددی (از مجددی های هرات) که در آنوقت معین آن وزارت بود، واگذار شد و خودش از امور رسمی برای همیشه کناره گرفت. وزیر مالیه محمد ایوب خان از میرزای های متجرب دوره امانی بود که برای یک دوره نسبتاً کوتاه در آن مقام کار کرد و اما به دلیل اشتراک در جنازه یکی از اقارب خود میرزا محمد مهدی خان چنداولی که همزمان با محمد ولیخان بتاريخ 22 سنبله 1312 اعدام گردید، از وزارت برکنار و متعاقباً به همین جرم زندانی شد. وزیر دربار سردار احمدشاه خان عضو مقتدر خانواده سلطنتی، پسر عموی نادرشاه و در عین زمان برادر خانم او و همچنان خسریگانه پسر محمد نادرشاه یعنی (شهزاده) محمدظاهر خان بود که بعد از شهادت پدر به سلطنت رسید و مدت چهل سال پادشاهی کرد.

خلاصه اینکه در کابینه اول و کابینه های بعدی تا سالهای متمادی، وزارت های کلیدی بدست خاندانی و باقی در دست "مخلصین" بودند. میرغلام محمد غبار یکی از منتقدان آن دوره، در زمینه می نویسد: «کابینه اسماً کابینه بود و در معنی وزراء از سکرتر [منشی] های شخصی صدراعظم فرقی نداشتند. هیچ یک از وزراء بدون امر صدراعظم حق تنفس در مجلس وزراء و حتی قدرت استعفی از وزارت را نداشت. تمام قضایای عمده کشور در کابینه "اصلی ارگ" یعنی برادران شاه محرمانه حل و فصل شده و صدراعظم بدون چون چرا تصویب و امضای مجلس وزراء را در فیصله ها می گرفت.» (غبار، "افغانستان در مسیر تاریخ، جلد دوم، صفحه 56)

(ادامه دارد)